



# پروین

## درد آشنای زمانه

◆ فرامرز نایی

می گویند شعر از شعور می آید. این موضوع شعر «پروین اعتصامی» و شعور پیدا و پنهان در مضامین اخلاقی و اجتماعی اشعارش به خوبی هویدا است. هنگام مطالعه اشعار او با سخن سرایی حکیم و صاحب اخلاق روبه رو هستیم. مطالعه زندگی و اخلاقیات فردی پروین، نحوه تربیت پدر و

مقدمه

ما نیز در دیار حقیقت توانگریم  
کالای ما چو وقت رسد کارهای ماست  
ما روی خود ز راه سعادت نتافتیم  
پیران ره به ما نمودند راه راست

مادرش و به ویژه شخصیت برجسته انسانی او در اجتماع و در نهایت خواندن آثار منظوم او به روشنی، شعر و شعور پروین را به اثبات می‌رساند.

در مطلب حاضر به واکاوی این مسأله خواهیم پرداخت که شخصیت و اخلاقیات فردی پروین اعتصامی و آرمان‌های انسانی او چگونه به نگاه اجتماعی، زنانه نگر و تأثیرگذار او منجر شد و او را سزاوارانه به حکیم بانوی شعر اجتماعی این سرزمین، تبدیل کرد.

## جوانه های ادب و فرزانی

بانو پروین اعتصامی، پنج روز مانده به بهار ۱۲۸۶ خورشیدی، در تبریز و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. او پدری دانشمند داشت که از ادیبان آن دوران به حساب می‌آمد و در تربیت دختر دانشمند و هنرمند خویش با همه توان می‌کوشید.

پروین در سال ۱۲۹۱ در سنین کودکی ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر فراگرفت و از سن شش سالگی از محضر ادیبان و دانشمندانی که در خانه پدرش گرد هم آمدند، بهره‌ها برد.

پروین، کودکی کوشا و فعال بود. کم می‌گفت و بیشتر می‌شنید و فکر می‌کرد.

در جلسه‌های درس و گفتگو، همیشه از دیگران جلو می‌افتاد، به طوری که هر بیننده‌ای را شگفت زده می‌کرد.

در سن هشت سالگی، به سرودن آغاز کرد و استعداد سرشار خود را با به نظم درآوردن قطعات زیبا و لطیفی که پدرش از کتب مختلف عربی، ترکی و فرنگی ترجمه می‌کرد، پرورش داد. پروین تحصیلات ابتدایی خود را در یکی از مدارس تهران به پایان برد. تحصیلات متوسطه را نیز در تیر ماه سال ۱۳۰۳ شمسی در مدرسه دخترانه تهران با موفقیت به پایان رساند.

در جشن فارغ التحصیلی خود مقاله‌ای با عنوان «زن و تاریخ» برای حاضران خواند. امروز که آن سخنرانی را می‌خوانیم، می‌بینیم که

اودر هشتاد سال قبل نظرهای اجتماعی و فرهنگی درستی داشته است و با نگاهی متفاوت، نابسامانی‌ها و وضعیت نامناسب زنان و اجتماع آن زمان را به تصویر کشیده است.

در بخشی از این سخنرانی، پروین گفت: «... در میان امواج بلیات و طوفان در حوادث وارده بر شرق، قسمتی از عجز و عدم موفقیت شرقیان بر این سبب است که به تربیت زنان، التفات نکردند. آن‌ها را عضو باطل بشریت پنداشته، نصف قوای خود را ضایع نمودند. مادران نومید، اولاد خودشان را به بی‌دانشی بزرگ کردند. اطفال شرق، در داخل از تربیت خانوادگی و در خارج، از تأدیب و تهذیب محروم ماندند. لا جرم، اسباب تباهی و تیره‌روزی دست به داده، هشتصد میلیون جمعیت آسیا را به تنزل محکوم کردند! حال مدت‌هاست که آسیایی از خواب گران یأس و حرمان برخاسته، می‌خواهد آب رفته را به جوی باز آرد.

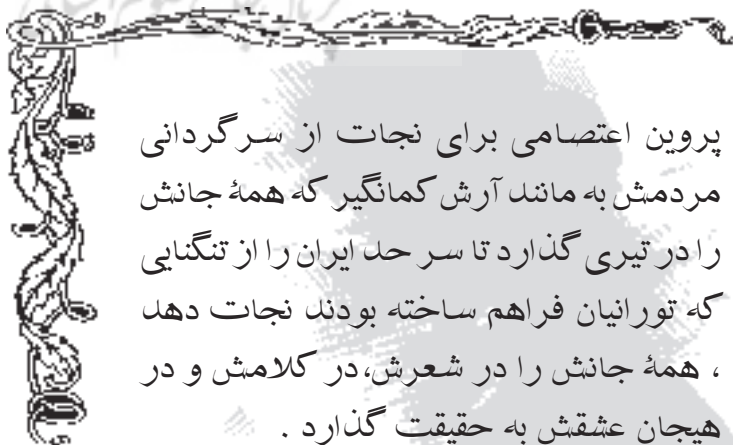
اگر چه برای معالجه این مرض اجتماعی، بسیار سخن‌ها گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند، اما داروی بیماری مزمن شرق منحصر به تربیت و تعلیم است. تربیت و تعلیم حقیقی که شامل زن و مرد باشد و تمام طبقات را از خوان گسترده‌ی معرفت مستفیذ نماید.

ایران، وطن عزیز ما که مفاخر و مآثر عظیمه آن زینت افزای تاریخ جهان است. ایران که تمدن قدیمش اروپای امروز را رهین منت و مدیون نعمت خویش دارد؛ از مصائب و شدائد شرق سهم وافر برده؛ اکنون دنبال گمگشته‌ی خود می‌دود و به دیدار شاهد نیکبختی می‌شتابد...»

پروین پس از پایان دوران تحصیل در همان دبیرستان که درس خوانده بود به مدت دو سال، ادبیات فارسی و انگلیسی را تدریس کرد. پروین در ۲۸ سالگی با پسر عموی پدر خود ازدواج کرد و چهار ماه پس از عقد ازدواج به خانه همسرش به کرمانشاه رفت. همسر پروین از افسران شهربانی بود. اخلاق نظامی او با روح لطیف و آزاده و مذهبی پروین تفاوت داشت. پروین در خانه‌ای سرشار از

مظاهر معنوی و ادبی و به دور از هرگونه آلودگی تربیت یافته بود، حال آن که خانه شوهرش یک لحظه از بساط و خوشگذرانی‌های بیهوده و پست، خالی نبود.

پروین با توجه به کارهای شوهرش به این نتیجه رسید که: «او ازدواج را نه برای تشکیل خانواده و انجام فریضه‌ی دینی بلکه یک نوع تفریح گذرا می‌پندارد...» او پس از دو ماه و نیم اقامت در خانه‌ی همسر به خانه‌ی پدر برگشت و در نهایت چاره‌ای جز بخشیدن حق و حقوق خود و رها کردن زندگی نیافت و از آن پس، مطالعه و سرودن اشعار را بهترین مونس خود دید.



پروین اعتصامی برای نجات از سرگردانی مردمش به مانند آرش کمانگیر که همه‌جانش را در تیری گذارد تا سرحد ایران را از تنگنایی که تورانیان فراهم ساخته بودند نجات دهد، همه‌جانش را در شعرش، در کلامش و در هیجان عشقش به حقیقت گذارد.

سگالی ها کجا بهتر از ایشانی

ندیدی لاشه های مطبخ خونین شهرت را  
اگر دیدی ، چرا بر سفره اش هر روز مهمانی  
در این شعر ، به خوبی می توان تصویر رابطه شاعر با اشیاء و  
پدیده هایی که با روحیه زنانه او سر و کار دارند ، به تماشا نشست .  
تشبیه : « لاشه های مطبخ خونین شهرت » و نیز « مهمان بودن بر سر  
سفره » ، خود بیانگر همین رابطه است . بدون تردید ، اگر پروین در  
محیط دیگری قرار می گرفت ، که عناصر اولیه و عینی ذهن او را  
پدیده ها به کمک می طلبید ، در سراسر دیوان او آن جا که مسأله  
انسان والا مطرح است ، مسائل اخلاقی را جای جای و گاه مکرر به  
زبان آورده است . ذهن او از اندیشه های عرفانی و اخلاقی در شرایط  
زمانی و مکانی گوناگون و پرداخت آن ها با زبانی منسجم ، پر است  
. پروین در این بعد برای بزرگداشت معیارهای اخلاقی خویش ،  
معیارهایی که به اعتقاد او ، انسان می تواند موجودی شایسته و ارجمند

وی با کسب اجازه از پدر ، از همسر خود طلاق گرفت . او این  
حادثه ناخوشایند را با صبر و خونسردی شگفت آوری قبول کرد و  
تا روزی که زنده بود حرفی درباره ی آن بر زبان نیاورد و لب به  
شکایت باز نکرد . گفتنی هایش از این اتفاق ، تنها سه بیت بود و بس .

ای گل ، تو ز جمعیت گلزار چه دیدی  
جز سرزنش و بد سری خار ، چه دیدی  
ای لعل دل افروز ، تو با این همه پرتو  
جز مشتری سفله به بازار چه دیدی  
رفتی به چمن ، لیک قفس گشت نصیبت  
غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی ؟  
پروین اعتصامی پس از این واقعه ی تلخ ، چند ماهی در کتابخانه ی  
دانشسرای عالی به کتابداری مشغول بود . او تحمل اوضاع نابسامان  
اجتماعی و سیاسی دوران خود را نداشت و به همین دلیل ، دست به  
تألیف دیوان اشعاری زد که در سرتاسر آن عدل و داد ، اخلاق و  
پاکدامنی و مبارزه با ظلم ، موج می زد .

### شعر پروین ؛ از شعور شخصی تا شعر اجتماعی

تصویر پروین در اشعارش ، تصویر  
انسانی پرهیزگار و پاکدامن است .  
پروین در تک بیتی از قصیده بلند و بالای  
« ای دل » یا :

ای نیک با بدان همنشین هرگز  
یا : خوش نیست وصله ، جامه دیبا را  
می گوید :

افسون فسای ، افعی شهوت را  
افسار بند ، مرکب سودا را

تفکراتی از این دست پندواره است ، وادارنده  
و برحذر کن ، در حوزه اخلاقیات فردی از اندیشه  
هایی است که ریشه در ادبیات عرفانی ما دارد .  
در جای دیگر پروین در خطاب به متظاهران و مردم  
فریبان ، تلخ و تند است :  
همی اهریمنان را بد سرشت و پست می نامی  
تو با این بد



باشد، از بیانی شیوا و تشبیهاتی محسوس و ملموس، بهره می‌گیرد. و این بیان استوار پروین را بهتر است در "شخصیت" والای او جست و جو کرد. "سعید نفیسی" از اساتید برجسته، آن موقع در جایی نوشت: «هیچ گونه شتاب و بی‌حوصلگی در او ندیدم. چشمانش بیشتر به زیر افکنده بود. یاد ندارم در برابر من خنده کرده باشد. وقتی که از شعر او تحسین می‌کردم با کمال آرامش می‌پذیرفت. نه وجد و نشاطی می‌نمود و نه چیزی می‌گفت. هرگز یک کلمه خود ستایی از او نشنیدم و رفتاری که بخواهد اندک نمایش برتری بدهد از او ندیدم...»

سروده‌های بانو پروین اعتصامی زیبا و رسا و دلنشین است. در واژه‌های اشعارش نجابتی وجود دارد که انسان را جذب می‌کند. این متانت و وقار در معاشرت‌های اجتماعی پروین هم دیده می‌شد. وضعیت زندگی اجتماعی از یک سو، زن بودن پروین در جامعه ایران از سوی دیگر، شعر او را به مجموعه‌ای از تفکرات ادیبانه کهن تفکرات نو تبدیل کرده است. برخی از شعرهای پروین ما را به گذشته‌های دور می‌برد. زمانی که محتسب، پلیس امروز بود و قاضی، مظهر قدرت بی‌چون و چرا بود. گفت و گوهایی نظیر گفت و گوی "سیر و پیاز"، "سوزن و رفوگر"، "الماس و زرگر" و... جزو گفت و گوهایی است که همیشه در زندگی اجتماعی کاربرد دارد.

شعر پروین، پراز همدردی و محبت به مردم شریف و رنج‌دیده است. او از نابرابری‌های اجتماعی، دلش سخت به درد می‌آمد. دیدگاهی که پروین برای غمخواری محرومان جامعه، مطرح می‌سازد، دیدگاهی است که از یک عینیت ناب، سرچشمه می‌گیرد.

شعر "ای رنجبر" پروین مقایسه‌ای است میان دو زندگی، دو طبقه، دو دنیا، این هر دو، در یک محیط، به نمایش گذاشته می‌شود.

گرچه اطفال تویی شامند شب‌ها باک نیست

خواجه تیهو می‌کند هر شب

کباب، ای رنجبر

در خور دانش امیرانند و فرزندانشان

تو چه خواهی فهم کردن از کتاب،

خواستن ز ایشان حساب، ای رنجبر  
شعر "بی پدر"، او دل دخترک یتیمی است که از مهر پدر و مادر بی نصیب مانده و از سوی جامعه و فرادستان آن، جز تحقیر و محرومیت و گرسنگی، چیزی بهره‌اش نشده است. صرف نظر از این شعر، پروین در اشعار خود، توجه خاصی به کودکان دردمند و یتیم و زنان محروم و ستم‌کش دارد. در این شعر جامعه‌ای مجسم می‌شود که بی‌رحم است. مردم تهی دست از اساسی‌ترین خدمات اولیه، برای رهایی از بیماری و مرگ محرومند و این، دل شاعر را به درد می‌آورد:

پدرم مرد ز بی دارویی

وندین کوی، سه داروگر هست

دل مسکینم از این غم بگداخت

که طبیبش به بالین نشست

سوی همسایه پی نان رفتم

تا مرا دید، در خانه بیست

شعر "برزگر و فرزند" پروین، توصیف‌گر همه نابرابری‌های اجتماعی است و "دیوانه و زنجیر" او شعری است که جوهر آن، نشان‌دهنده مردم فریبی‌های دولتمردان حیل‌گر است، اما به جای این که خود، به جرم خیانت‌ها و

نابکاری‌هایشان به زنجیر بسته

شوند، انسان‌های عاقل و

شرافتمند را به دیوانگی متهم کرده

، گرفتار بند و زندان ساخته‌اند.

مضمون این شعر، زبان حال همه

ی‌آزادگان تاریخ در هر زمان و مکان

است.

شعر "شکایت پیرزن به قباد"،

نماد دادخواهی همه‌ی انسان‌های

محروم علیه ستمگران است.

پروین از قول پیرزن، با صراحت

بی‌مانندی بر امیران می‌تازد و از

فساد دامنگیر امورات آن‌ها پرده بر

می‌دارد.

حکم دروغ دادی و گفتمی

حقیقت است

کار تباه کردی و گفتمی تباه

نیست

ویرانه شد ز ظلم تو هر مسکن و دهی

یغما گریست چون تو کسی، پادشاه نیست

پروین اعتصامی برای نجات از سرگردانی مردمش به مانند آرش

کمانگیر که همه‌جانش را در تیری گذارد تا سر حد ایران را از تنگنایی

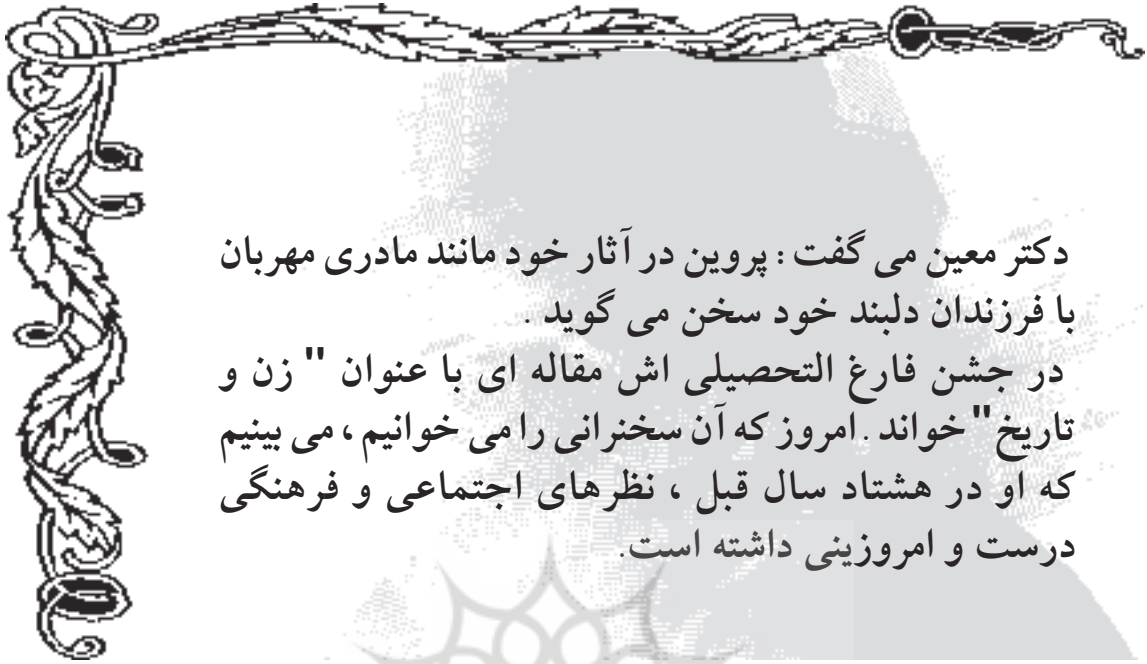
ای رنجبر

مردم آنانند کز حکم و سیاست آگهند

کارگر کارش غم است واضطراب، ای رنجبر

هر چه بنویسند حکام اندرین محضر رواست کس نخواهد





## دکتر معین می گفت: پروین در آثار خود مانند مادری مهربان با فرزندان دل‌بند خود سخن می‌گوید. در جشن فارغ‌التحصیلی اش مقاله‌ای با عنوان "زن و تاریخ" خواند. امروز که آن سخنرانی را می‌خوانیم، می‌بینیم که او در هشتاد سال قبل، نظرهای اجتماعی و فرهنگی درست و امروزی داشته است.

طرز گفتارش به صورت سؤال و جواب یا مناظره بسته شده است. این شیوه در مناظرات نظم و نثر از نظامی گنجوی تا خواجه‌ی کرمانی گواه این معنی است و در آثار پروین، استقلال فکر ایشان روشن می‌شود. خانم پروین از روی فطرت و غریزه خویش، بار دیگر این شیوه پسن‌دیده را در قطعات جاوید خود احیاء کرده است... هنر آن جاست که از زبان همه چیز سخن می‌گوید.»

### نیمه پنهان در شعر پروین

یکی از موضوعات قابل بررسی در شعر پروین، نقش "زن" در مناسبات فردی و اجتماعی اوست. در این مورد به بررسی محتوای دو مثنوی از او اشاره می‌شود که چگونه با یافتن نمونه‌های عملی، جایگاه زن را در جامعه و خانواده، روشن کرده است. در نخستین مثنوی، به نام "دو محضر"، صحبت از زندگی یک قاضی است که مردی فاسد و رشوه‌خوار است. عنوان دو محضر، اشاره‌ای به دو مکان است؛ محیط کار قاضی و خانه او. آن، یک عنوان محیطی اجتماعی و همگانی و این یک، به عنوان محیطی مخصوص و محدود اشاره شده است.

روزی قاضی کشمیر با حالتی خسته و خشمگین به خانه می‌آید و همچون گرگ‌هار به همه چیز می‌پرد و مشت می‌زند:  
هر کجا در دید، بر دیوار زد

بانگ بر دربان و خدمتکار زد

کودکان را راند با سیلی و مشت

گره را با چوب دستی خست و کشت

که تورانیان فراهم ساخته بودند نجات دهد، همه جانش را در شعرش، در کلامش و در هیجان عشقش به حقیقت گذارد.

تیمار کار خویش تو خود خور که دیگران

هرگز برای جرم تو تاوان نمی‌دهند

بی رنج زین پیاله کسی می‌نمی‌خورد

بی دود زین تنور به کس نان نمی‌دهند

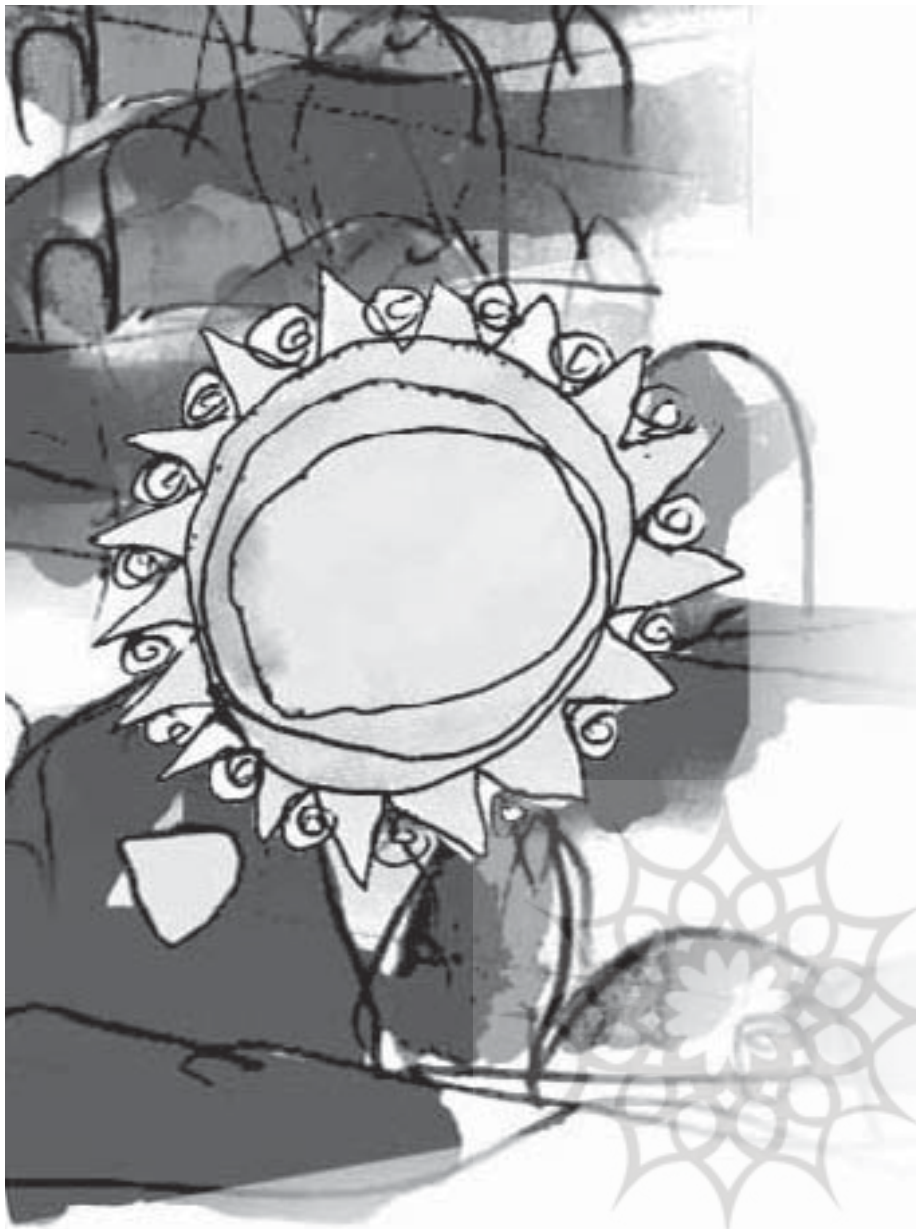
هنر پروین آن است که در مقام اندیشه‌گری توانا، حاصل تفکرات خود را در باره‌ی انسان و جنبه‌های گوناگون زندگی و نکات اخلاقی و اجتماعی به زبان شعر بیان کرده است و فکر و زبانش منحصر به خود اوست.

پروین از میان قالب‌های شعر فارسی، قطعه را جهت بیان مسایل و مطالب اجتماعی، مناسب‌تر دانسته، او موجودات جاندار و بی‌جان را در برابر هم قرار داده و به یک سبک مناظره، نیازها و مسایل زمان خود را جهت ارشاد و راهنمایی بیشتر به تصویر کشانده است.

مناظره‌های مست و هوشیار، نخ و سوزن، سیر و پیاز و... بسیار حایز اهمیت هستند، زیرا توانایی، استادی و احاطه‌ی کامل پروین را به مضامین اجتماعی، بیان می‌نماید.

دکتر "حشمت مؤید" استاد دانشگاه شیکاگو در مقدمه کتاب "نوحه بلبل" با عنوان "شخصیت و شعر پروین" نوشته است: «پروین در سرودن مناظره از حیث کیفیت و کمیت از همه پیشینیان خود فراتر رفته است.»

ملک الشعراء بهار در دیباچه دیوان پروین می‌نویسد: «در قطعات



قاضی خشمگین ، بار ملامت را متوجه  
همسرش می کند و زندگی خویش را از  
دست او ، ویران شده می داند . تلاش های او  
برای به کف آوردن پول و بهانه گیری هایش  
برای خرج های بی ملاحظه ی همسرش ،  
نقش بر آب شده است :

تو غنودی ، من دویدم روز و شب  
کاستم من ، تو فزودی ای عجب  
تا یتیم از یک به من بخشید نیم  
تو خریدی گوهر در یتیم  
از پی یک راست گفتم صد دروغ  
ماست را من بردم و مظلوم دوغ  
چنین تصویر پرمعنا و زندگی سازی از  
زن ، در نزد بسیاری از مدعیان قدرت و قانون  
، پنهان است .

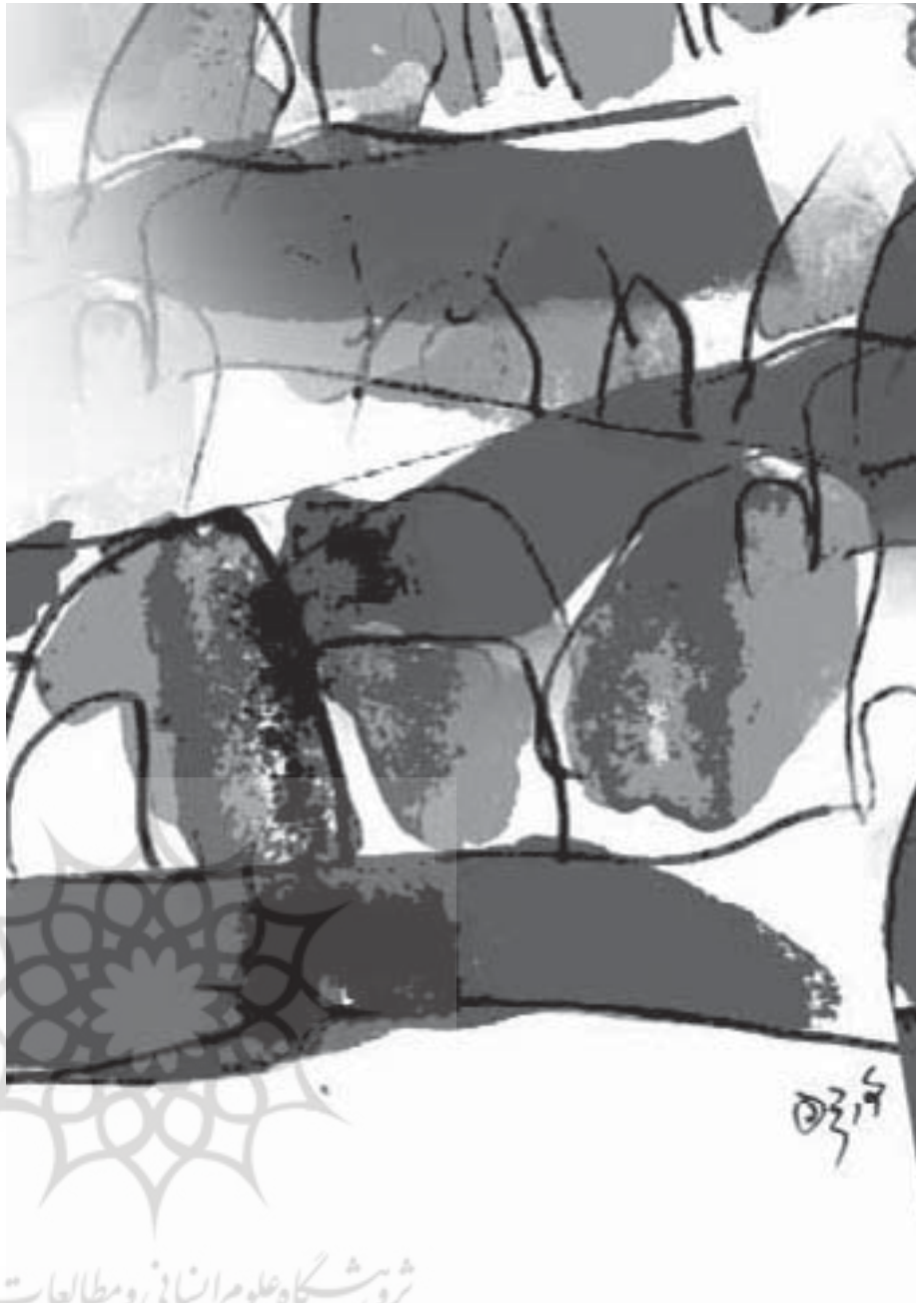
بدتر از همه این است که نظام جامعه ی  
انسانی ، به اندازه ی لازم ، به اهمیت نقش  
زن در زندگی خانوادگی و پیوند آن با زندگی  
اجتماعی ، پی نبرده است . تکیه ی پروین بر  
نقش کارساز زن ، به معنی مخالفت او با کار  
زن در خارج از محیط خانه نیست ... پس از  
همه منت نهادن ها از سوی قاضی ، زن  
همچون موجودی عاقبت اندیش و عاقل ،  
قاضی را از تصمیم گیری های غیر خردمندانه  
، مبنی بر درخانه نشستن و ترک کار ، باز می  
دارد :

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

امشب از عقل و خرد بیگانه ای  
گر نه مستی ، بی گمان دیوانه ای  
کودکان را پای بر سر می زنی  
مشت بر طومار و دفتر می زنی  
خود پسندیدن ، و بال است و گزند  
دیگران را کی پسندد خود پسند  
من نمی گویم که کاری داشتم  
یا چو تو بر دوش ، باری داشتم  
زن برای آزمون گذاشتن نقش مرد خویش و ادعای  
او ، چند روزی خانه را ترک می گوید تا قاضی ، به اداره

پروین در " فرشته انس " خود ،  
با بیانی روشن و رو در رو ،  
دریافت هایش را در مورد این  
تفکر غلط که زن از نظر عقلی ،  
موجود ناقصی است ابراز می کند  
و آن را باطل می شمارد .



و سرانجام هنگامی که قاضی ، توان از دست داده ، قیل و قال خانه را رها می کند و در عمل ، ادعای نا به جای خویش را پس می گیرد، زن به خانه باز می گردد. استدلال او در خطاب به قاضی ، خردمندانه و متواضعانه است :

تو به محضر داوری کردن هزار  
لیک اندر خانه در ماندی ز کار  
گر چه ترساندی خلائق را بسی  
از تو در خانه نمی ترسد کسی  
تو بسی گفتی ز کار خویشتن  
من نگفتم هیچ و دیدی کار من  
من کنم صد شعله در یک دم خموش  
گاه دستم ، گاه چشمم ، گاه گوش  
هر که بینی رشته ای دارد به دست  
هر کجا راهی است رهپویش هست

پروین اعتصامی ، در شعر دیگری به نام "فرشته انس" ، با بیانی روشن و رو در رو ، دریافت های خویش را در مورد این تفکر غلط که زن از نظر عقلی ، موجود ناقصی است ابراز می کند و آن را باطل می شمارد . او زن را رکن خانه ی هستی می داند . به اعتقاد او ، زن کشتی زندگی است و مرد کشتی بان آن . هیچ کدام بدون یکدیگر ، کاری از پیش نخواهند برد :

زن نکوی ، نه بانوی خانه تنها بود  
طیب بود و پرستار و شحنه و دربان  
سمند عمر چو آغاز بدعنانی کرد  
گهیش مرد و زمانیش زن گرفت عنان  
نه بانوست که خود را بزرگ می شمرد  
به گوشواره و طوق و به یاره مرجان  
چو آب و رنگ فضیلت به چهره نیست چه سود  
ز رنگ جامه ی زربفت و زیور رخشان

### شعر اعتراض

یکی دیگر از وجوه تفکر پروین ، حمله ی تند و تیز او ، علیه متظاهران و به نوعی آغاز "شعر اعتراض" است .  
زنگارهاست در دل آلودگان دهر

هر پاک جامه را نتوان گفت پارساست  
چهره پروین در اشعاری از این دست ، اشعاری که بیانگر ستم قاضی و پارسا است ، بسیار دیگر گونه است . عناصری که در دستگاه

امور خانه پردازد . پس از رفتن زن ، قاضی متوجه می شود که در خانه ، شور و شری برپاست . خدمتکار و دربان با آشپز درگیر شده ، او را کتک زده اند ، به این دلیل که گویا او را در حال دزدیدن اموال قضای به دام انداخته اند . پرستار بچه ها شکایت می کند که دیگر توان شنیدن گریه های بیشتری از کودک شیرخوار را ندارد . ناظر ، فراش ، باغبان و کنیز هر یک به گونه ای در حضور قاضی ، زبان به شکایت گشوده اند :

دید قاضی ، خانه پر شور و شر است  
محضر است اما دگرگون محضر است  
کار قاضی جز خط و دفتر نبود  
آشنا با این چنین محضر نبود



ستم، خود از قدرتی اهریمنی برخوردار هستند و یا این که بر قوانین ضد مردمی، به چنین قدرتی مجهزند. این همان پروین آرام و نصیحت گر نیست. پروینی است دردمند و پرخاشگر، متین و مسلط بر خویش:

عوامت دست می بوسند و تو پایند سالوسی

خواصت شیر می خوانند و تو از گربه ترسانی

و یا:

خون بسی پیر زنان، خورده است

آن که به چشم من و تو پارساست

پروین در شعر دیگری که گفت گوی "دزد و قاضی" است، به بسیاری از ناگفته ها و نا نوشته ها در جامعه ی آن روز اشاره می کند. جامعه ای که دزد واقعی در مقام قاضی، آفتابه دزدها را به محاکمه می کشد.

یکی زین سفره نان خشک برد، آن دیگری حلوا

قضا گویی نمی دانست رسم میزبانی را

به گرگ مردمی می آموزی و نمی دانی

که گرگ را ز ازل، پیشه مردم آزاریست

## نگاه آخر

چهره ی پروین اعتصامی، چهره ی شاعری دردمند و مردم دوست است. کلام او با وجود بهره گیری از بسیاری واژه های غریب و از حیثه استفاده خارج شده، حتی در ادبیات عصر مشروطیت و پس از آن باز هم، شیرین و دوست داشتنی است. در آن "نجابتی" است که انسان را جذب می کند. بافت کلام، منسجم و محکم است، علاوه بر تفکرات بشر دوستانه که می تواند میان زنان و مردان، از شمول یکسانی برخوردار باشد، شعر اجتماعی او از عناصر ویژه ای تشکیل شده که به این وسیله، راه به "روحیه زنانه" او می برند. شعر پروین همچنین با وجود انتقاد به شرایط موجود در جامعه، از اشارات مستقیم و مرجع دار چشم می پوشد و تسلیم شعارهای داغ و لحظه ای نیست.

دکتر محمد معین، صاحب فرهنگ فارسی درباره پروین اعتصامی می گفت: «پروین هنگامی که در جوانی دار فانی را وداع گفت، در شمار معروفترین شاعران جهان بود. اندیشه های او نو و دارای نکته های اجتماعی و اخلاقی و انتقادی است و مثل ها و اندرزهای حکیمانه و تفکراتش، مایه ی شگفتی است. او در آثار خود مانند مادری مهربان با فرزندان دلبنده خود سخن می گوید.»

## زمان نگار زندگی پروین اعتصامی

۱۲۸۵-۲۵ اسفند ماه: تولد در تبریز با نام رخشنده. مادر: اختر اعتصامی و پدر: یوسف اعتصامی ملقب به اعتصام الملک آشتیانی، مردی فرهیخته و آشنا با زبان های ترکی استانبولی، فرانسه، عربی، استاد در خطاطی به شیوه های نستعلیق، نسخ شکسته و سیاق و

بنیانگذار نخستین حروفچینی در تبریز است. یوسف اعتصامی هنگام کودکی پروین همراه خانواده به تهران سفر می کند. وی مدتی ریاست کتابخانه سلطنتی در دارالتألیف وزارت معارف را به عهده دارد. او در دوره دوم به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب می شود و به انتشار مجله ادبی بهار می پردازد. پروین از خردسالی تحصیل را آغاز می کند و فارسی و عربی را از آموزگاران خصوصی در خانه می آموزد. پس از آن به مدرسه انائیه «دختران» آمریکایی در تهران می رود و در کنار دروس دبیرستان با زبان انگلیسی آشنایی کامل می یابد.

۱۲۹۲: پروین از هفت سالگی به شعر علاقه مند می شود. (فرهنگ دهخدا)

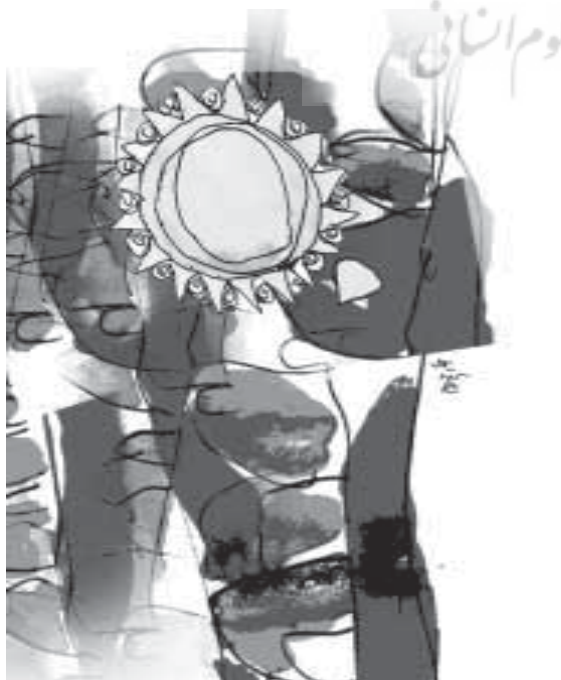
۱۳۰۳-۳ خرداد ماه: فارغ التحصیلی از مدرسه انائیه «دختران» آمریکایی، پروین در جشن فارغ التحصیلی خطاب به نام "زن و تاریخ" ایراد می کند.

پروین قطعه نهال آرزو را به مناسبت فارغ التحصیلی خود می سراید.

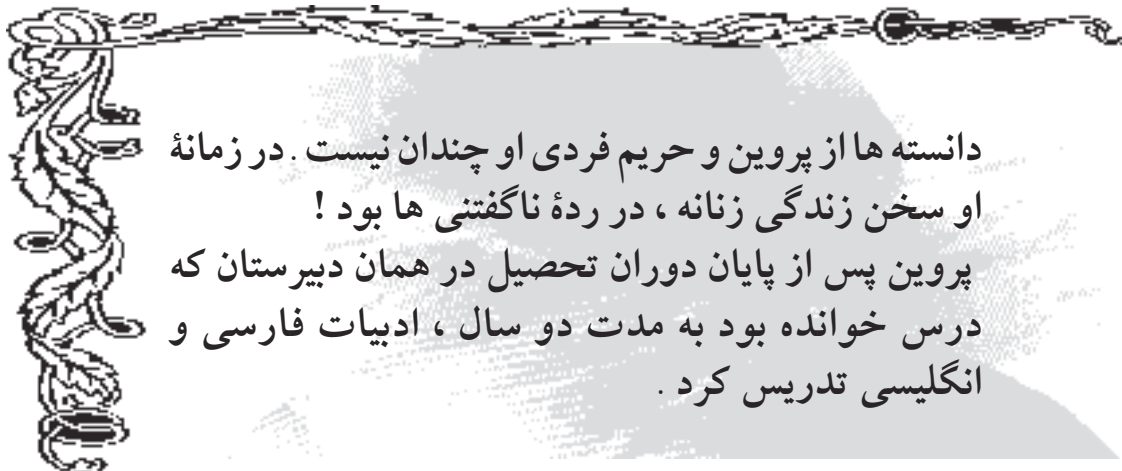
۱۳۱۳-۱۹ تیر ماه: با پسر عموی پدر خود ازدواج می کند. همسر پروین، افسر شهربانی و هنگام ازدواج رئیس شهربانی کرمانشاه است.

۱۳۱۳-آبان ماه: پروین همراه همسر خود بار سفر می بندد. ۱۳۱۳-دی ماه: پروین برای همیشه به خانه پدر باز می گردد. او هرگز شرحی بر آن چه در این دو ماه و نیم بر او رفته نمی نویسد، جز سه بیت!

۱۳۱۴-تیر ماه: سرودن شعری برای آغاز دیوان خویش را با این عبارت به پدر تقدیم می کند: "این هدیه فکر و شعر را به پدر بزرگوار خود تقدیم می کنم." دیوان، با مقدمه ی ملک الشعرای بهار آغاز می شود.







## دانسته‌ها از پروین و حریم فردی او چندان نیست. در زمانه او سخن زندگی زنانه، در رده ناگفتنی‌ها بود! پروین پس از پایان دوران تحصیل در همان دبیرستان که درس خوانده بود به مدت دو سال، ادبیات فارسی و انگلیسی تدریس کرد.

تا بداند دیو، کاین آینه جای گرد نیست

مرد پندارند پروین را، چه، برخی زاهل فضل

این معما گفته نیکوتر، که پروین مرد نیست

۱۳۲۰- فروردین ماه: پروین اجازه چاپ دوم دیوان خود را به

ناشر، ابوالفتح اعتصامی می‌دهد.

۱۳۲۰- ۳ فروردین: پروین به بستر بیماری می‌افتد. پزشکان

بیماری او را حصبه تشخیص می‌دهند.

۱۳۲۰- ۱۵ فروردین: نیمه شب به اغما فرو می‌رود و در آغوش

مادر جان می‌سپارد. پروین را در قم، مقبره خانوادگی و کنار مزار

پدر به خاک می‌سپارند. قطعه‌ای که پروین در تاریخی نامعلوم برای

سنگ مزار خود سروده و در میان اوراقش پیدا شده است، بر روی

سنگ مزارش حک می‌شود:

خاک در دیده بسی جان فرساست

سنگ بر سینه بسی سنگین است

پس از انتشار دیوان، لطفعلی صورتگر در شماره هفتم از سال

سوم مجله مهر درباره دیوان پروین مقاله‌ای می‌نویسد.

۱۳۱۴- مرداد ماه: پروین از مهریه خود چشم می‌پوشد و رسماً از

شوهرش جدا می‌شود.

۱۳۱۴- ۲۳ آذر ماه: پس از انتشار دیوان پروین، پدرش یک جلد

از آن را به پاریس، برای علامه شیخ محمد خان قزوینی می‌فرستد.

علامه قزوینی در ۲۳ آذر ۱۳۱۴ پس از مطالعه دیوان در نامه‌ای به

یوسف اعتصامی اعجاب خود را از ظهور "ملکه انسا الشواعر" (ملکه

شاعران زن) در دوران قحط الرجال فضل و ادب، بیان می‌دارد.

۱۳۱۵- وزارت معارف نشان درجه سه علمی را برای پروین

می‌فرستد. پروین نشان را پس می‌فرستد و چنین پاسخ می‌دهد:

«شایسته تر از من بسیارند!»

پروین همچنین پیشنهاد دربار را برای تدریس به ملکه نمی‌پذیرد.

پروین به شغل کتابداری در کتابخانه دانشسرای عالی تهران ادامه

می‌دهد.

۱۳۱۶- ۱۱ دی ماه: درگذشت یوسف اعتصامی آشتیانی، او در

سال‌های آخر عمر، ریاست کتابخانه مجلس و عضویت کمیسیون

معارف را به عهده داشت. یوسف اعتصامی آشتیانی نخستین مترجم

"بینوایان"، ویکتور هوگو و "خدعه و عشق" اثر شیلر بود و نیز

تألیف‌هایی از عربی به فارسی از خود به جای گذاشت.

۱۳۱۶- ۱۲ آدی ماه: به خاک سپاری پدر در قم، صحن جدید،

مقبره خانوادگی، سرودن قطعه "تعزیت پدر" این قطعه به خط شاعر

باقی مانده است.

۱۳۱۹- آخرین عکس پروین در ۳۴ سالگی، پروین در دوره دوم

مجله بهار چند قصیده و مثنوی منتشر کرد ولی افرادی اعلام کردند

که پروین نام یک مرد است. پروین در پاسخ به آنان این رباعی را در

آخرین شماره سال دوم مجله بهار منتشر می‌کند:

از غبار فکر باطل پاک باید داشت دل

منابع -

۱- ابوالفتح اعتصامی: مجموعه مقالات و قطعات اشعار پروین

اعتصامی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۳.

۲- فرشته وزیری نسب (تدوین و گردآوری): دیوان پروین

اعتصامی با دیباچه ملک الشعرا بهار، انتشارات پرنگار پارس،

۱۳۷۴

۳- شیرین دخت دقیقیان: زنانه با پروین، نشر سالی، ۱۳۷۹.

۴- فرامرز نایبی: بازنگاری و آثار پروین اعتصامی: او با اشک یتیم

آشنا بود (مقاله)، ماهنامه صالحین روستا، شماره ۲۱۱، مرداد ۱۳۸۲.

۵- لیلیا ملک محمدی: برای بیچارگان نیاوسدن، روزنامه

همشهری، ۸ آبان ۱۳۸۲.

۶- فرامرز نایبی: مرد پندارند پروین را! (مقاله)، ماهنامه جهاد

روستا، شماره ۴۳۰، آذر ۱۳۸۲.